عکس: ایران

چشم امید و دست نجات

روایت یاری‌رسانی به خانواده‌های نیازمند زندانیان

گزارش
ایران واشقانی فراهانی
خبرنگار

می‌دانند در پس این تاریکی و یأس، صدای نیایش‌های شبانه‌شان چنان وسعتی خواهد یافت که همراه نسیم از دیوارهای سرد و پنجره‌های بسته این شهر بگذرد و بر دل مردمی بنشیند که هیچ چیز از گذشته پردرد آنان نمی‌دانند. قلب‌شان مطمئن است در تندباد حادثه این نجواهای رازآلود، رهنمون فرشته سپید نجات خواهد شد.

قلب این زنان از ازدحام این همه دلتنگی، لبریز است. به دختران خود چه بگویند که درعمق جنگل چشمان معصوم‌شان، پاییز به بغض نشسته و چون باران، بی‌دریغ اشک می‌بارد. یا به پسران خود که نمی‌دانند صدای کودکانه آنها، در بدترین و بهترین دقایق، بودن پدر را تکرار می‌کنند. حکایت آنها در جدال با زندگی، حکایت غریبی است. با زنانی که در بهار به خزان نشسته‌اند، قصه‌های فراوانی است؛ با زنانی که از تلاطم زندگی نمی‌هراسند.

زنان و کودکان، قربانیان بی‌گناهی می‌شوند که ناخواسته و بدون جرم، تاوان گناه مرد زندانی را می‌دهند. فرق همین‌جاست که زندانی، تاوان اشتباه خود را می‌دهد اما خانواده‌های بی‌گناه گرفتار می‌شوند؛ در حالی که فرد مجرم در زندان از امکانات نسبی برخوردار می‌شود، خانواده‌اش در معرض کمبودها و آسیب‌ها قرار می‌گیرند و با انبوهی از مشکلات مواجه می‌شوند که در ایجاد آن نقشی ندارند. گاه شرایط زندگی آنان طوری رقم می‌خورد که جرم، گسترده‌تر می‌شود و گاه شیشه نازک تنهایی آنان در یغمای روزگار، به تلخی فرو می‌ریزد.

رنج بی‌قراری کودکی محروم از سایه پرمهر پدر، زجر بی‌پناهی یک زن در غیاب همسر، عذاب والدین پیر و تنگدست در دوران محکومیت پسرشان و... سایه شوم فقر و فلاکت بر سر خانواده‌های گرفتار، فراتر از یک مفهوم است که هزار تعبیر و صدهزار رنگ دارد. کام هر انسانی را تلخ می‌کند از این همه ناکامی.

شرمساری و کناره‌گیری از فامیل، نگاه‌های سرزنش‌آمیز همسایه، خالی بودن سفره از نان و میهمان، حرف‌های کنایه‌آمیز و نیشدار اطرافیان، زمینه را برای انزوای خانواده زندانی و طرد اجتماعی آنها و حتی برچسب‌زنی فراهم می‌کند و مشکلات روحی و روانی غم‌انگیزی را به بار می‌آورد.

«سارا» زنی که همسر ورشکسته‌اش از چهار ماه پیش زندانی است، با اندوه می‌گوید: شوهرم صاحب یک کارگاه تولیدی و تعداد زیادی کارگر بود اما بلندپروازی‌هایش، ما را به خاک سیاه نشاند. همسرم که به زندان افتاد، صاحبخانه هم حکم توقیف اموال‌مان را گرفت و اثاثیه‌ام به مزایده گذاشته شد. حالا چهار ماه است که با فرزندانم در مسافرخانه‌ای در کرج زندگی می‌کنیم و از تمام زندگیم، همین دو چمدان لباس برایم مانده است. اجاره روزانه این اتاق کوچک را نمی‌توانم جور کنم و سخت‌ترین روزهایم را می‌گذرانم.

زن جوانی که از چند ماه قبل در انباری یک ساختمان با دو فرزندش زندگی می‌کند، می‌گوید: هر روز با نگرانی و نداری، به هر شکلی شده این زندگی را پیش می‌برم. همه تلاشم این است که بچه‌ها در این اوضاع صدمه‌ای نبینند. از قبل هم زندگی‌مان ضعیف بود، الان ضعیف‌تر شده. حدود سه سال قبل در حاشیه کرج با ۱۰ میلیون تومان خانه رهن کرده بودیم و بچه‌ها گاهی به ملاقات پدر می‌رفتند، اما دیگر قادر به تهیه مسکن نیستیم. چهره زن دیگر به عرق می‌نشیند، وقتی مهر سکوتش را می‌شکند و می‌گوید: دهه هفتادی هستم. دختر ۹ ساله و پسر ۴ ساله دارم که تحت پوشش کمیته امداد و جزو دهک یکم هستیم. شوهرم به جرم سرقت زندانی است. صاحبخانه که اثاثیه را در کوچه ریخت، جایی جز خانه مادرم نداشتم. همگی در اتاق ۲۰ متری در یکی از محله‌های فقیرنشین زندگی می‌کنیم. اینکه چقدر به همگی سخت می‌گذرد، بماند.

زن میانسالی که برای دریافت موادغذایی به انجمن حمایت از زندانیان آمده است، آه سردی می‌کشد و می‌گوید: شوهرم محکومیت حمل مواد مخدر دارد و به بیش از ۲۰ سال حبس محکوم است. سه فرزند دارم و دخترم به خاطر وابستگی شدید به پدرش دو بار دست به مرگ خودخواسته زده است. مدتی خانه و مسکن نداشتیم اما با کمک فامیل، در طبقه هفتم یک آپارتمان در اطراف شهر و بدون آسانسور ساکن شده‌ایم. یکی از اهالی محل برایمان بخاری و دیگری یخچال خرید، اما نیاز شدید به مشاور و آرامش داریم. افسردگی بچه‌ها نگرانم کرده است، حتی بیشتر از گرسنگی شکم‌شان.

«مریم»، دختر ۲۲ ساله‌ای هم با چهره‌ای پرغم، دغدغه درمان یکی از برادرانش را دارد. طرح چهره‌اش، نگران و اندوهگین بود و در نگاهش، طرح گریه نقش گرفته. آن طور که می‌گوید به خاطر فقر مالی و گرفتاری خانواده‌اش، در غیاب پدر و در ۱۵ سالگی ازدواج کرده و جدا شده است. مادرش هم بر اثر بیماری از دنیا رفته است. دختر هم به ناچار خانه‌ای اجاره کرده و با دو برادر کوچک‌ترش زندگی می‌کنند. برادر خردسالش هم در بهزیستی است.

بحث مسکن بزرگترین چالش پیش روی خانواده زندانیان است. اغلب زندانیان از خانواده‌های محروم و حاشیه‌نشین جامعه هستند و بیش از نیمی از آنان، متأهل و خانواده‌های‌شان در دام گره‌های معیشتی و حمایتی گرفتار هستند. نبود سرپرست خانوار، زمینه فساد و تباهی آنان را فراهم می‌آورد به طوری که در میان ورودی‌های جدید زندان‌ها، اقوام درجه یک برخی زندانیان حاضر بخواب، دیده می‌شود.

اگر خانواده زندانیان زیر چتر حمایتی قرار نگیرند، با آمار نگران‌کننده‌ای از طلاق، ترک‌تحصیل، ناهنجاری‌های روانی، تکدیگری و حتی ورود خانواده‌های آنان به چرخه جرم روبه‌رو خواهیم شد. کمک‌های انجمن حمایت از زندانیان، نهادهای حمایتی و سمن‌ها هرچند هست، اما کافی نیست. مشکلات پیچیده و هزارتوی این خانواده‌ها، یک همت جمعی می‌طلبد.

شاید تا سال‌ها قبل نگاه نیکوکاران، فقط بر آزادی زندانیان معطوف بود اما وضعیت زندگی آشفته و بی‌پناهی خانواده زندانیان، نگاه روشن و دست‌های پرسخاوت این انسان‌های نیک‌اندیش را به سمت خانواده‌هایی کشاند که دچار آسیب و پریشانی شده‌اند. نیکوکارانی که با شنیدن حکایت پردرد خانواده‌های زندانیان، در پیشگاه مهرورزی و ارادت سر تعظیم فرود می‌آورند تا التیامی بر دردهای به جا مانده بر روح زخمی و خسته آنان شوند و نگذارند گل‌های خیال یک کودک بی‌پناه در سیاهی این شب، تشنه و خم شود.

هرچند این خانواده‌ها از هویت مردان و زنان نیک‌اندیش چیزی نمی‌دانند اما بی‌شک دعای خیرشان شادی‌آور زندگی کسانی است که گره از کار فروبسته‌شان می‌گشایند و در ایستگاه آخر زندگی، به آنها فرصت آغازی دوباره می‌دهند.

> مسکن بزرگترین چالش پیش روی خانواده زندانیان است. اغلب زندانیان از خانواده‌های محروم و حاشیه‌نشین جامعه هستند و بیش از ۵۰ درصد از زندانیان کشور، متأهل و خانواده‌های آنان در دام گره‌های معیشتی و حمایتی گرفتار هستند

بدون جرم

زنان و کودکان، قربانیان بی‌گناهی می‌شوند که ناخواسته و بدون جرم، تاوان گناه مرد زندانی را می‌دهند. فرق همین‌جاست که زندانی، تاوان اشتباه خود را می‌دهد اما خانواده‌های بی‌گناه گرفتار می‌شوند؛ در حالی که فرد مجرم در زندان از امکانات نسبی برخوردار می‌شود، خانواده‌اش در معرض کمبودها و آسیب‌ها قرار می‌گیرند و با انبوهی از مشکلات مواجه می‌شوند که در ایجاد آن نقشی ندارند

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۴۱۶۰

آسان

	۸		۶	۷		۹	۴	۲
۷			۴					۳
۴						۸	۶	۷
				۸	۲		۹	
			۷		۳			
	۵		۱	۹				
۲	۴	۵						۹
۹					۶			۴
۱	۶	۷		۴	۹		۵	

متوسط

			۸	۵			۴	۱
			۶			۹		۸
۷		۱	۳					
						۴	۶	
	۴	۷				۸	۵	
	۲	۸						
					۳	۷		۶
۴		۶			۲			
۵	۷			۶	۸			

سخت

۷				۴		۶		
			۸		۹		۵	
۲		۳			۵			۴
۵		۸					۴	
	۶					۵		۳
۳			۱			۸		۹
	۴		۶		۸			
		۱		۲				۶

خیلی سخت

۵			۹	۱				
			۸			۲	۳	
					۷			۵
۱		۳	۴					
	۷			۶			۱	
					۱	۳		۸
۸			۳					
	۵	۷			۶			
				۷	۸			۶

حل جدول سودوکو شماره ۴۱۶۰

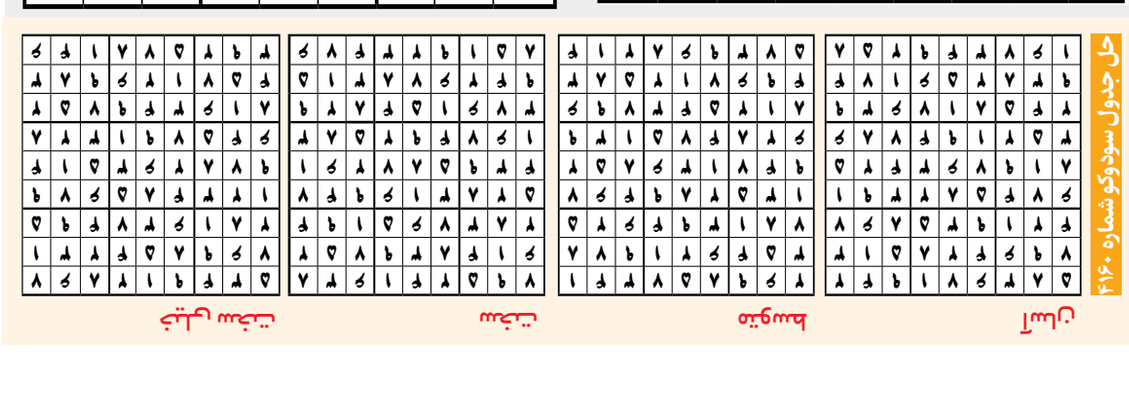

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۸۱۲۹

جدول عادی

افقی:

۱ - سخن و حرف - مجری «ورزش و مردم»
۲ - زنده شدن - مخفف از او - شبیه هم
۳ - نشان مفعول - سلام - ارادتمند - حرف ربط
۴ - اندوهگین و ملول - عزت - امر به نالیدن
۵ - از ادات استفهام - توانایی، فطرت - از لوازم آرایش
۶ - بی‌شمار گشتن - نفیس و گران - رها و آزاد
۷ - سراسر، کل - هاله ماه - زیبا
۸ - دلیر - تمایل به فرو رفتن در خود و دوری از زندگی اجتماعی - اندک
۹ - آزردگی، ناراحتی - کشور اروپایی - پارچه کلاه
۱۰ - محله - وسیله‌ای الکترونیکی - فیلم خنده‌دار
۱۱ - سخن در گوشی - ردیف - جعبه میز یا کمد
۱۲ - پرنده‌ای گنجشک‌سان - یک عامیانه - همنشینی
۱۳ - عدد روستایی! - الهه هندو - شاعره یونانی - رنجوری
۱۴ - ضلالت - امر به رفتن - ساز قدیمی
۱۵ - اثر «جامی» - کشاورز

عمودی:

۱ - اثربخش و مفید - از مشاغل سینمایی
۲ - رواندار زمستانی - فعل و کنش - درخت جنگلی - مخفف هم او
۳ - بلی در مکالمه - سهل - سرها - شکم‌خواره
۴ - پایتخت «اسپانیا» - رود شولوخف - زیاده‌روی در مصرف
۵ - نوعی تن‌پوش - پول معاش - یار ثابت سالاد
۶ - شهر استان کرمانشاه - کتابچه و یا راهنمای معرفی جزئیات کالا - یار «صندلی»
۷ - شهر پشمک - توده عظیم برف - قاره ما
۸ - زلف - نافرمان و یاغی - ویتامین مغز بادام
۹ - افزونی - مخفف حیوان مکار - رنگ خون
۱۰ - جوی آب - بهشت اقیانوس - آشیانه
۱۱ - دست راست - قبض و حواله - گیاه پارچه‌ای
۱۲ - مجبور شده - حرف دهان‌کجی - شهری حومه «شاهین‌دژ» آذربایجان غربی
۱۳ - صحنه تئاتر - فرومایه - جلوه و رونق - بوسیله
۱۴ - متخصص در تکنیک و صنعت - صابون خیاطی - گنجه لباس - محل گردش سیاره
۱۵ - کارگردان فقید فیلم «پدر آن دیگری» - پیرو

جدول ویژه

افقی:

۱ - وسیله از کار افتاده - رودخانه اردبیل
۲ - کلک - اهمیت‌دارتر - مقابل هم
۳ - عدد قهرمان - نوازشگر - عهده‌دار کاری شدن - یک عامی
۴ - پرده روی قلب - امر به رفتن - واهمه
۵ - موی بلند سر - فرو و شکوه - کوبنده مطبخ
۶ - برادر عرب - پیاله - لباس
۷ - میان - ملجأ و جای امن - دهمین شهر بزرگ اتحادیه اروپا به لحاظ جمعیت
۸ - نهر - دَم‌سنج - عدد عنقا
۹ - سیب آذری - نوعی از خودروی هیوندای - خمیازه
۱۰ - با «آمد» آید - کشور اروپایی - ظرفی با سوراخ بسیار
۱۱ - هدف - دایر - برج دهم
۱۲ - در بیمارستان خدمت می‌کند - درخت زبان گنجشک - از افسران مقدونی اسکندر
۱۳ - غنچه صورت - سفت و سخت - نمایشنامه «کازانتزاکیس» - سخن مگو
۱۴ - پیاپی - پول «قرقیزستان» - خودروی ایرانی
۱۵ - دستگاه سنجش توان خودرو - سوی راست

عمودی:

۱ - نغمه - از آثار دیدنی «چناران»
۲ - سوار - ضایع - دهان - از شاخص‌های سنجش ریسک
۳ - واحد مساحت - تبرک - گازی بی‌بو - او
۴ - مذهب ۹۵درصد مردم «تایلند» - زائوترسان - روند
۵ - تماس دست با چیزی - خورشت چرب - گلزن فقید «نانت»
۶ - گیشه - میوه «تایلند» - هراس
۷ - از جمله روستاهای هدف گردشگری استان مرکزی - شاخه‌ای از علوم تجربی - پوست دانه غلات
۸ - قلق - نویسنده «ژان کریستف» - ناخن چهارپا
۹ - پرنده‌ای کوچک - روستایی از توابع «کلیجان‌رستاق» ساری - بارگذاری سیستم‌عامل
۱۰ - داروی گچی! - قوی هیکل - تمدنی خاک شده در بین‌النهرین
۱۱ - ماشین خاکبرداری - تیم آلمانی - روکش
۱۲ - پیش پرداخت - ضد «خیر» - نوعی جنون
۱۳ - نغمه و غنا - شهر «آذربایجان» - شهر سیمان - مایه
۱۴ - کلمه تصدیق - همان بس - پرنده‌ای حشره‌خوار - هوو
۱۵ - رئیس فدراسیون جهانی اسکی - بزرگان

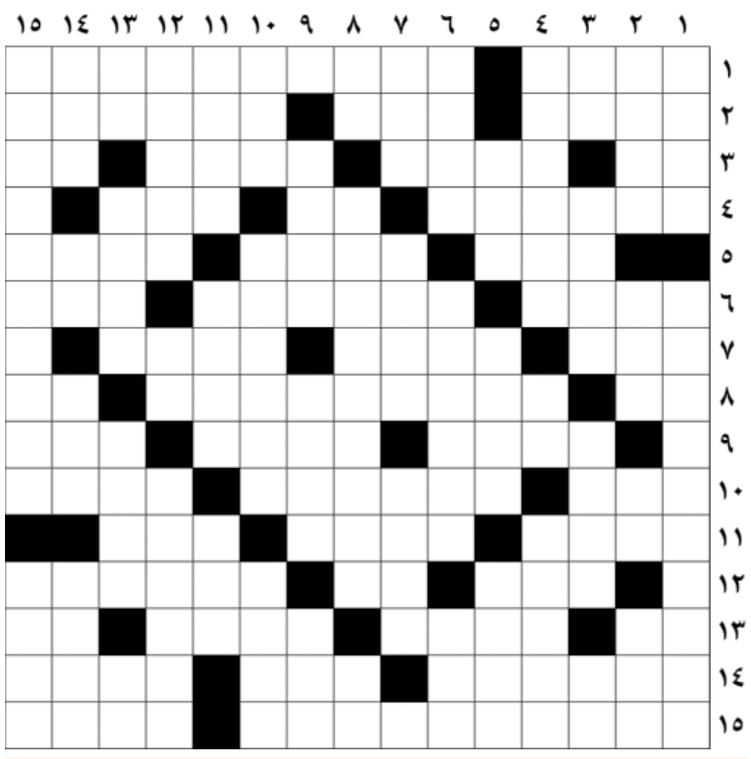

حل جدول عادی شماره ۸۱۲۸

حل جدول ویژه شماره ۸۱۲۸